

یادداشتی درباره معنی واژه اوستایی -nimarəzišta^۱

سالار رضازاده (دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی)

در بند یکم از یشت شانزدهم اوستا موسوم به دین یشت که به ستایش ایزد چیستا اختصاص دارد چنین آمده است:

razištaṃ čistaṃ mazdaḍātəm ašaonīm yazamaide. hupaθmainyaṃ huaiwitačinam
nimarəzištaṃ barat.zaοθraṃ ašaonīm hunaravaitīm frasrūtəm āsu-kairyam
mošu.kairyam hvāyaonam hvāyaozdəm yaṃ vaṇuhīm daśṇam māzdayasnīm.

راست‌ترین چیستای مزداآفریده اشون را می‌ستاییم، (چیستای) نیک راه نیک گذر (۴) زوربر (تقدیم‌کننده فدیة) اشون را، هنرمند (خبره) به نام راه، کارآمد شتابان در کار راه، [آماده‌کننده] راه نیک راه، نیک جنگنده راه، دین نیک مزدیسنی را.

درباره معنی واژه -nimarəzišta (صفت عالی) از دیرباز محققان زبان اوستایی معانی متفاوتی پیشنهاد کرده‌اند. دارمستتر -nimarəzišta را با -vimarəzišta در یشت ۱ بند ۲ سنجیده و «کسی که از خطر می‌رهاند» ترجمه کرده است (Darmesteter, 1883, p. 264-265). لومل به معنی «سازگارکننده‌ترین» (Lommel, 1927, p. 156) دانسته است. بارتلمه این واژه را معنی نکرده و تنها گفته است که به چیستا مربوط است (Bartholomae, 1961, col. 1083). زنده‌یاد استاد پورداود (۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۷۴) نیز با احتمال معنی «آنچه موافق میل است به عمل آورد» آورده است. پیرار واژه مذکور را از ریشه -marəz «مالیدن» با پیشوند ni به معنی «پاک کردن، برطرف کردن» دانسته و چنین

(۱) از استادان فرزانه آقایان دکتر چنگیز مولایی (دانشگاه تبریز) و دکتر محمد حسن دوست (فرهنگستان زبان و ادب فارسی) که این یادداشت را قبل از چاپ خواندند و نکات ارزنده‌ای را یادآور شدند از بَنِ جان سپاسگزارم. خطاهای احتمالی این یادداشت بر عهده نگارنده است.

ترجمه کرده‌است: کسی که می‌داند گناهان/معایب را چگونه پاک کند (Pirart, 2008, p. 71-72)، هینتسه با تردید واژه را «نرم، انعطاف پذیر» معنی کرده (Hintze, 2009, p. 50) و لکوک در گزارش خود از نامه اوستا برای واژه مذکور دو معنی در نظر گرفته‌است: «تطهیرکننده‌ترین، آنکه بیشتر از همه پاک می‌کند» و «سازگار کننده‌ترین» (Lecoq, 2016, p. 559).

چنان‌که معلوم است تاکنون معنی دقیقی از این واژه ارائه نشده و همه معانی حدس و گمان بوده‌است. نگارنده ضمن ارج نهادن به آرای دانشمندان یادشده، برای *nimarəzišta* با استناد به شاهدی در فرهنگ تکملة الأصفان معنی «[فراهم کننده] هموارترین (= صاف‌ترین) [راه‌ها]» را پیشنهاد می‌کند. در فرهنگ تکملة الأصفان مقابل واژه المیکع معنی «کلوخ‌کوب» و برای قیل «نمرزه و چوبه ماله» آمده‌است (کرمینی، ۱۳۶۳، ص ۴۱۴). این واژه در برخی گویش‌های ایرانی چنین است: سَریکلی: *nūmūžg, nīmīžg* «مازو، شن‌کش»؛ وخی: *namurzg* «شن‌کش»؛ گزی: *nimärzūn, nemärzūn* «جارو»؛ آنارکی: *nimärzi* «جارو» (نک: حسن‌دوست، ۱۳۹۳، ج ۴، م ۵۱۳۲)؛ کفرانی: *nemerzōn* «جارو»؛ نائینی: *nimarezin* «جارو»؛ ورزنه‌ای: *nemarzin* «جارو» (نک: حسن‌دوست، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۶۵۸-۶۵۹).

گفتنی است که ایزد چیستا احتمالاً ایزدبانوی راه و سفر بوده‌است. صفت‌هایی در توصیف این ایزدبانو در فقراتی از دین یشت به کار رفته‌است، از جمله *hupaθmainya* «کسی که به راه نیک رهنمون می‌شود»، *huaiwitačina* «کسی که به گذرگاه‌های نیکو راهبر است» و یا موهبت‌ها و نعمت‌هایی که او به پرستندگان خود می‌دهد مانند *hvāyaonānhō pantānō* «گذر از راه‌های خوب (برای رسیدن به مقصود)»، *x^vāpaiθina garayē* «راه‌های خوب در کوهستان‌ها» که می‌توان آنها را به گونه‌ای ناظر بر خویشکاری این ایزدبانو دانست (مولایی، ۱۳۹۷، ص ۵۳۸؛ نیز نک: Kellens, 1996, p. 281-282; Kellens, 1992, p. 601-602).

به نظر نگارنده هر دو واژه اوستایی *nimarəzišta* و فارسی نمرزه بازمانده صورت ایرانی باستان **ni + marzaka* از ریشه *marz-* «دست کشیدن، مالیدن» است (درباره واژه نمرزه نک: حسن‌دوست، ۱۳۹۳، ج ۴، م ۵۱۳۲). تحول معنایی از مالیدن، هموار کردن، صاف کردن، پاک کردن به چوب ماله، کلوخ‌کوب، جارو، شن‌کش به آسانی قابل تصور است. چنان‌که در زبان فارسی هم مالیدن به معنی «نرم کردن، صاف کردن» و «پاک کردن، ستردن» بسامد دارد (نک: انوری، ۱۳۸۱، ذیل مالیدن).

بنابراین می‌توان بند ۱ دین یشت را این‌گونه ترجمه کرد:
راست‌ترین چیستای مزدآفریده اشون را می‌ستاییم، (چیستای) نیک راه نیک گذر [فراهم کننده]
هموارترین (= صاف‌ترین) [راه] را، زوربر (تقدیم کننده فدیه) اشون را، هنرمند (خبره) به‌نام را، کارآمد
شتابان در کار را، [آماده‌کننده] راه نیک را، نیک جنگنده را، دین نیک مزدیسنی را.

منابع

انوری، حسن (سرپرست ۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن.
پورداد، ابراهیم (۱۳۷۷)، یشت‌ها، ج ۲، تهران، اساطیر.
حسن‌دوست، محمد (۱۳۸۹)، فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو، ج ۲، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
_____ (۱۳۹۳)، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی ج ۴، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
کرمینی، علی بن محمد (۱۳۶۳)، تکملة الأصفان (فرهنگ عربی به فارسی) چاپ عکسی، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
مولایی، چنگیز (۱۳۹۷)، «یشت‌ها»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ذیل، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۵۲۸-۵۴۲.

Bartholomae, C. (1961), *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin, Walter de Gruyter.
Darmesteter, J. (1883), *The Zand-Avesta*, Oxford, Clarendon.
Hintze, A. (2009), "Avestan Literature", *The Literature of PreIslamic Iran*, R. E. Emmerick and M. Macuch (eds.), New York, pp. 1-71.
Kellens, J. (1992), "Čistā", *Encyclopaedia Iranica*, vol. V, California, pp. 601-602.
_____ (1996), "Dēn Yašt", *Encyclopaedia Iranica*, vol. VII, California, pp. 281-282.
Lecoq, P. (2016), *Les Livres De l'Avesta*, Paris, les Éditions du Cerf.
Lommel, H. (1927), *Die Yašt's des Awesta*, Göttingen, Vandenhoeck und Ruprecht.
Pirart, E. (2008), "Les épouses de Zoroastre et Dēn yašt", *Journal Asiatique*, vol. 206, pp. 59-92.

References

Sources are in Persian unless otherwise specified.

Anvari, Hasan (supervisor, 2002), *Sokhan Dictionary*, Tehran, Sokhan.
Hassandoust, Mohammad (2011), *A Comparative-Thematic Dictionary of the New Iranian Languages and Dialects*, vol. 2, Tehran, The Academy of Persian Language and Literature.

- _____ (2014), *An Etymological Dictionary of the Persian Language*, vol. 4, Tehran, The Academy of Persian Language and Literature.
- Karmini, Ali ibn Mohammad (1984), *Takmailat-al-asnaf* (A Dictionary of Classical Arabic-Persian), facsimile, Islamabad, Persian Research Center of Iran and Pakistan.
- Mowlae, Changiz (2018), "Yashts", *Encyclopedia of Persian Language and Literature*, Tehran, The Academy of Persian Language and Literature (zeyl), 2018, pp. 528-542
- Pour-davoud, Ebrahim (1998), *Yashts*, vol. 2, Tehran, Asatir.